

Restriction and expansion of jurisprudential rulings concerning temporary marriage due to social necessity in lieu of expediency

Rahmatollah Saeedigoraghani¹
Mohammadreza Kaykha²
Hidar Amirpour³

Received Date: 22 Dec 2021
Reception Date: 22 Feb 2022

Abstract

One of the cases where Islamic rulings are specially focused on their surrounding circumstances is temporary marriage, and examination of the role of expediency in restricting and expanding the jurisprudential rules of this type of marriage has been carefully considered. According to this descriptive-analytical study, it can be said that temporary marriage, provided it is not abused, can meet some of the social needs of some people, provided that the required culture is nurtured among the people. However, despite the fact that temporary marriage can reduce unsafety and illegitimate relationships and curb social harms such as prostitution in society and even be a prelude to permanent marriage between young people, in cases where this type of marriage causes resentment and psychological damage to the wife, it can be restricted and prohibited if the temporary marriage inflicts damage to the permanent marriage and the foundation of the family or when it is not expedient; therefore, it is necessary to formulate the required statutes to address such conditions.

Keywords: expediency, temporary marriage, restriction and expansion of Islamic rulings, social necessity, family

¹ . PhD student in Islamic jurisprudence and law, Zahedan Branch, Islamic Azad University, Zahedan, Iran

² . Associate Professor, Department of Islamic jurisprudence and law, Zahedan·iran (Corresponding Author) kaykha@hamoon.usb.ac.ir

³ . Associate Professor, Department of Islamic jurisprudence and law Payam Noor University, Tehran, Iran

تحدید و توسعه احکام فقهی حقوقی عقد موقت به جهت ضرورت اجتماعی مبتنی بر قاعده مصلحت

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱

رحمت‌اله سعیدی گراغانی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۳

محمد رضا کیخا^۲

حیدر امیرپور^۳

چکیده

از جمله مؤلفه‌های ضروری در صدور احکام اجتماعی، عنصر مصلحت است، به نحوی که اگر مصلحت و دگرگونی‌های جامعه با در نظر گرفتن اوصاف درونی و بیرونی و یا شرایط و قیود متحول شود؛ احکام آن نیز به طور قهری تغییر می‌کند. مسأله تحدید و توسعه احکام فقهی حقوقی ازدواج موقت به جهت ضرورت و مصلحت اجتماعی یکی از مصادیق قابل بررسی در این حیطه می‌باشد، زیرا این نوع ازدواج از طرفی می‌تواند موارد نامنی‌های جنسی را کاهش داده و نقش مهمی در کاهش آسیب‌های اجتماعی داشته باشد، از طرفی دیگر ممکن است موجبات تضعیف و از هم پاشیدن بنیان خانواده را فراهم نماید. در مجموع می‌توان گفت؛ ازدواج موقت به شرط عدم سوء استفاده می‌تواند پاسخگوی قسمتی از ضرورت‌های اجتماعی باشد و موجب کاهش نامنی‌های جنسی، روابط نامشروع و آسیب‌های اجتماعی از

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران.

۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران (نویسنده مسؤول)

kaykha@hamoon.usb.ac.ir

۳. دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

جمله فحشاء گردد، اما در شرایطی که این ازدواج سبب آسیب به ازدواج دائم و بنیان خانواده گردد و یا به مصلحت جامعه نباشد، لازم است محدود شده و قوانین و مقررات متناسب با این شرایط، تدوین و تصویب گردد.

واژگان کلیدی: مصلحت، ازدواج موقت، قبض و بسط احکام، ضرورت اجتماعی، خانواده

۱- مقدمه و بیان مسئله

خانواده به عنوان واحدی از اجتماع در جریان تحولات زمانه قرار دارد، بنابراین می‌طلبد که برخی از احکام آن که در جهت حمایت از خانواده پیش‌بینی شده است، با رویکرد به عنصر مصلحت و مقتضیات زمان که از فروع حکم عقل می‌باشد، تغییر یابد. از جمله مواردی که در حیطه حقوق خانواده، آیات و روایاتی از معصومین(ع) بر جواز و حتی استحباب آن رسیده، ازدواج موقت است. این حکم شرعی یکی از جنجالی‌ترین احکام دینی محسوب می‌گردد زیرا برخی از مذاهب اسلامی به طور کامل آن را ممنوع و برخی دیگر آن را جایز می‌دانند. این موضع‌گیری‌ها در عصر ائمه المعصومین(ع) نیز وجود داشته که ازدواج موقت برای مدت و یا مکان و یا بنا بر ضرورت‌های خاص، ممنوع و یا اینکه بنا به دلایلی این نوع ازدواج مورد توصیه بوده است. با توجه به این نوع موضع‌گیری که در عصور مختلف انجام می‌گرفته، بررسی نقش مصلحت در این تحدید و توسعه احکام فقهی مطرح می‌گردد که با وحدت ملاک از موارد مذکور، در عصر حاضر نیز نیازمند بحث و بررسی است. البته در برخی از آنها، به واسطه وجود جملات و تعابیری مبنی بر عدم سازگاری آنها با روایات جواز، ممکن است نوعی احساس تنافی و تعارض بین روایات را در ذهن تداعی کند؛ برخی با توسل به توجیهاتی با ازدواج موقت مخالفت نموده و برخی دیگر با استناد به دلایل و توجیهاتی در جوامع امروز، موافق با توسعه و بسط این نوع ازدواج هستند.

اگرچه سابقاً پژوهش‌هایی با محوریت ازدواج موقت انجام شده که غالباً شرایط، آثار و یا احکام فقهی این نوع نکاح را توصیف نموده اند، ولی هیچ کدام با رویکرد فقهی و حقوقی و از دو منظر تحدید و توسعه احکام عقد موقت به جهت ضرورت اجتماعی، این موضوع را بررسی و تحلیل نکرده اند و از این منظر، موضوع مورد بررسی دارای نوآوری است.

لذا با توجه به اوصاف مذکور این مسأله قابل طرح است که؛ عنصر مصلحت چه نقشی در قبض و یا بسط احکام ازدواج موقت دارد؟ آیا می‌توان با مد نظر قرار دادن مکان یا زمانی خاص بر مبنای مصلحت جامعه، خانواده و فرد، از منظر فقهی ازدواج موقت را محدود، ممنوع و یا ترویج نمود؟

در جهت پاسخ به مسائل مطروحه؛ در این مقاله که به روش توصیفی - تحلیلی و جمع‌آوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و با ابزار فیش‌برداری صورت گرفته و نهایتاً داده‌های گردآوری شده از طریق استدلال استنتاجی مورد ارزیابی، تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد؛ پس از تبیین چارچوب نظری تحقیق، ترویج احکام ازدواج موقت بنابر مصلحت و مزایای آن، محدود نمودن ازدواج موقت بنابر مصلحت و تبعات آن و نیز روزآمد نمودن احکام ازدواج موقت در جهت پاسخگویی به نیاز جامعه بررسی و تبیین خواهد شد.

۲- چارچوب نظری تحقیق

در خصوص ازدواج موقت برخی بر جواز و برخی بر عدم جواز آن نظر داده‌اند و هر گروه دلایل خاصی در توجیه عقیده خود ابراز نموده‌اند:

۱-۲: قائلین به جواز ازدواج موقت

گروهی از تابعین و عده‌ای از محدثان، معتقد به جواز متعه بودند؛ «آنان کسانی بودند که مؤلفان صحاح سته و دیگران، در نقل از آنها و اعتماد به ایشان اتفاق نظر دارند. افرادی مانند مالک بن انس، احمد بن حنبل، سعید بن جبیر و» (طبسی، ۱۳۸۴ش، ۷۶) این گروه برای اثبات دیدگاه خود به ادله قرآنی، ادله روایی و سیره متشرعه استناد کرده‌اند:

الف) ادله قرآنی ازدواج موقت: مهمترین زمینه بحث قرآنی ازدواج موقت، آیه ۲۴ سوره مبارکه نساء^۱ است. خداوند متعال در این آیه فرموده‌اند: «... و زنانی را که متعه می‌کنید، واجب است مهر آنها را بپردازید و گناهی بر شما نیست در آنچه بعد از تعیین مهر، با یکدیگر توافق کرده‌اید...»

ب) ادله روایی: از جمله ادله روایی در خصوص ازدواج موقت، روایتی از امام صادق(ع) است که پیامبر(ص) نیز ازدواج موقت داشته‌اند. (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۱۳/۲۱) علاوه بر این، در مورد انجام عمل متعه توسط ائمه(ع) نیز روایاتی وجود دارد که امام علی(ع) با زنی از قبیله

۱. «... فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا تَرَاضَيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ...»

بنی نهشل در کوفه ازدواج موقت کرد. (حر عاملی، ۱۴۰۳، ۱۰/۲۱) از آنجا که این روایت بر ازدواج آن حضرت در کوفه دلالت دارد معلوم می‌شود در زمان خلافت ایشان یعنی پس از وفات پیامبر اسلام (ص) و عصر خلفای ثلاثه، این ازدواج صورت گرفته است؛ چرا که قبل از آن امام علی (ع) در مدینه زندگی می‌کرد. علاوه بر این؛ ابن بابویه به سند خود روایت نموده از امام جعفر صادق (ع) که فرمود: «از ما نیست هر کس که اعتقاد ندارد ظهور ما را و حلال نداند متعه ما را.» (قمی، ۱۴۰۶، ۳/۲۹۱)

ج) سیره متشرعه: برخی مفسران ذیل آیه ۲۴ سوره نساء معتقدند جواز نکاح متعه، از صدر اسلام و مشروعیت آن به حکم خدا و رسول (ص)، مخالف و موافق، و سنی و شیعه، همه متفقند در این معنی و هیچ کس از اهل اسلام در این خلاف ندارد. و اکابر صحابه و تابعین و غیره آن را بجا آورده‌اند و این حکم مستمر و شایع بود تا زمان عمر بن الخطاب؛ و قرآن و احادیث دال بر آن است. (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۸۰، ۲/۳۹۵)

۲-۲: قائلین به عدم جواز ازدواج موقت

به غیر از شیعه امامیه که معتقد است ازدواج موقت جایز و مشروع است، دیگر فرق اسلامی از جمله اهل سنت، اباضیه (هاشمی، ۱۴۱۰، ۲/۸۹۰)، زیدیه و اسماعیلیه (نعمان، ۱۴۰۸، ۲/۱۸۱) معتقدند که ازدواج موقت ممنوع می‌باشد. از جمله ادله‌ای که بر عدم جواز ازدواج موقت بیان شده؛ نسخ حکم ازدواج موقت و اخبار تحریم متعه است:

الف) نسخ حکم ازدواج موقت: برخی مفسران اهل سنت معتقدند که آیه شریفه ۲۴ سوره نساء مربوط به نکاح دائم است و بر فرض پذیرش متعه، این آیه را از آیات منسوخه دانسته و برای ادعای خود آیاتی را به عنوان ناسخ ذکر کرده‌اند. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ۱۰/۴۲-۴۰، آلوسی، ۱۴۱۵، ۳/۸-۷) برخی از ایشان آیات ۲۹، ۳۰ و ۳۱ سوره مبارکه معارج را موجب نسخ آیه جواز متعه دانسته و معتقدند: «در این آیات ارتباط مشروع زناشویی منحصر به دو

۱. «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا وَ لَمْ يَسْتَجِلَّ مُتَعَتِنَا.»

مورد شده است؛ نخست ازدواج دائم و دوم ملک یمین که متعه، خارج از این حکم است.» (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ۸/۳-۷)

در پاسخ به این عقیده می‌توان گفت: «اولاً متعه ماهیتاً تفاوتی با ازدواج دائمی ندارد؛ علیرغم آنکه در برخی از احکام دارای اختلاف جزئی هستند. ثانیاً این آیه از جمله آیات مکی است، در صورتی که آیه مربوط به متعه از آیات مدنی است. حکم متعه بنابر نظر اجماعی مسلمانان در مدینه نزول یافته است، در صورتی که ناسخ از نظر زمان باید بعد از منسوخ باشد.» (رضوانی، ۱۳۸۴ش، ۲/۴۸۸) علاوه بر این؛ اشخاصی که معتقدند آیه جواز ازدواج موقت نسخ شده، بین نسخ و تخصیص اشتباه کرده‌اند؛ با این تفسیر که آیه توارث، ناسخ حکم ازدواج موقت نیست، بلکه مطابق قاعده، روایات مرتبط با ازدواج موقت مخصّص است و آیه توارث، عام بوده و همه همسران اعم از دائم و موقت را شامل می‌شود، ولی این عموم با توجه به اینکه بر عدم توارث زوجه در ازدواج موقت دلالت دارد، تخصیص می‌خورد. رابعاً عدم توارث را نمی‌توان دلیلی بر عدم زوجیت دانست.

ب) اخبار تحریم متعه: دلیل دیگری که قائلین به عدم جواز متعه یا ازدواج موقت بیان کرده‌اند این است که در زمان خلیفه دوم (عمر) منع شد. در منابع مهم اهل سنت از جابر بن عبدالله آمده است: «ما در روزگار پیامبر خدا (ص) و خلافت ابوبکر، با یک مشت خرما و آرد برای چند روز ازدواج موقت می‌کردیم، تا اینکه عمر به خاطر عمرو بن حریث آن را ممنوع کرد.» (نیشابوری، ۱۴۰۷ق، ۱۰۲۳، نووی، ۱۴۳۰، ۱۸۳/۹)

در روایتی دیگر از محمد بن الاسود آمده است: «عمرو بن حوشب با دوشیزه‌ای از قبیله بنی عامر ازدواج موقت کرد. آن زن باردار شد و ماجرا را به عمر گزارش دادند. عمر ناراحت شد و بر منبر رفت و گفت: چه پیش آمده که مردها دست به ازدواج موقت می‌زنند و بر کارشان گواه عادل نمی‌گیرند و آن را آشکار نمی‌سازند؟ بعد از این، مرتکب چنین کاری را حد می‌زنم.» (صنعانی، ۱۴۰۳، ۵۰۱-۵۰۰)

بنابر نقلی دیگر؛ جریان برای شخصی به نام «سلمه بن امیه» ذکر شده است که در زمان عمر، با زنی به نکاح متعه همبستر شد و آن زن، فرزندی به دنیا آورد که سلمه او را به فرزندی

نپذیرفت. خلیفه دوم بعد از اطلاع از این ماجرا به طور کلی از متعه نهی کرد. (عسقلانی، ۱۴۱۵ق، ۱۲۱/۳)

با این اوصاف، گویا عمر معتقد بوده که نکاح متعه فقط برای زمان سختی و کم بضاعتی مسلمانان وضع شده است و هنگامی که مسلمانان در گشایش باشند باید به دنبال نکاح دائم باشند. در نقد این موضوع می‌توان گفت؛ اولاً بر فرض دسترسی به برخی از حکمت‌های احکام و قوانین اسلام، نمی‌توان وجود یا عدم آن حکم را منوط به حکمت آن دانست. ثانیاً اگر مسلمانان در مرکز حکومت اسلامی به گشایش رسیدند، آیا باید متعه را برای همه مسلمانان، در هر منطقه‌ای، آن هم برای همیشه، تحریم کرد؟ ثالثاً در ذیل این داستان، خلیفه دوم به جای متعه، نکاح دائم کوتاه مدت را پیشنهاد می‌کند که در واقع معلوم نیست چنین نکاحی چه فرقی با متعه دارد.

۳- ترویج و توسعه احکام ازدواج موقت بنا بر مصلحت و مزایای آن

از جمله دلایلی که می‌توان در توجیه توسعه و رواج ازدواج موقت ارائه نمود، شرایط سخت اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی است. به دلائل متعددی امروزه پاسخ به نیاز لجام گسیخته جنسی از طریق ازدواج دائم با مشکلاتی مواجه است و زمینه این قسم ازدواج به دلیل مخارج سنگین، نبودن شغل و درآمد کافی، عدم حمایت والدین از آنها به دلیل ناتوانی یا کم‌رنگ شدن این سنت در جامعه، تمایل زوجین به استقلال در تصمیم‌گیری و سکونت مجزا از پدر و مادر که سبب بالا رفتن قیمت مسکن و اجاره بهای آن شده، فراهم نیست. پس چاره‌ای نیست جز اینکه برای جلوگیری از شیوع روابط جنسی نامشروع و بروز فاجعه طلاق تا فراهم شدن شرایط زندگی و ازدواج دائم به ازدواج موقت روی آورد.

به تعبیر برخی نویسندگان؛ «ازدواج موقت مانع رواج ارتباطات آزاد است. ازدواج موقت برای اشخاصی که توانایی تشکیل خانواده یا قصد فرزند آوری، به هر دلیل به ویژه دلایل مالی، ندارند راهی برای ارضای نیازهای عاطفی یا جنسی فراهم می‌کند.» (صفائی و امامی، ۱۳۹۵ش، ۲۷-۲۹)

با رواج همباشی‌ها که از آن با عنوان ازدواج سفید هم نام می‌برند، زن و مرد بدون ازدواج رسمی و جاری شدن صیغه عقد و فارغ از هر نوع تعهد و مسئولیتی برای مدتی نامعلوم زیر یک سقف زندگی می‌کنند. ضمن اینکه پس از اتمام این نوع رابطه معمولاً زنان دچار آسیب‌های روحی و روانی زیاد می‌شوند. از سویی چون هیچ تعهد و مسئولیتی در این نوع رابطه نیست، معمولاً زنان به دلیل عدم پشتوانه مالی پس از جدایی با مشکلات اقتصادی بسیار مواجه می‌شوند. از این رو ازدواج موقت می‌تواند راهکار موثری در این زمینه باشد که به دلیل شرعی و قانونی بودن، افراد قبل از عقد قرارداد، دارای تعهد و مسئولیت‌هایی نسبت به یکدیگر می‌شوند.

از طرفی دیگر؛ این نوع ازدواج می‌تواند در کاهش آمار طلاق و تأمین بخشی از نیازهای اقتصادی زنان نقش بسزایی داشته باشد. از آنجایی که این ازدواج تنها برای مدتی معین و مشخص است و زن و مردی که تن به این ازدواج می‌دهند برای مدتی معین با یکدیگر رابطه زناشویی برقرار می‌کنند در صورتی که در این مدت بر آنها مشخص شود که بسیاری از معیارهای زندگی مشترک و ارزش‌ها و نگرش‌هایشان با هم منطبق نیست به راحتی حتی با بخشش مدت باقی مانده از یکدیگر جدا می‌شوند.

همانگونه که برخی محققین بیان داشته‌اند؛ «اساساً ازدواج موقت برای جلوگیری از فحشا و فساد در جامعه تشریح شده است. آسان‌ترین و بهترین راه برای ارضای نیازهای جنسی در چارچوب شرع، نکاح موقت خواهد بود...» (قادری و کیخا، ۱۳۹۷ش، ۲۴۷)

علاوه بر این، زنانی که شوهران خود را از دست داده‌اند و به علت شرم و حیا از خانواده همسر خود یا داشتن فرزندان بزرگ نمی‌توانند ازدواج دائم داشته باشند پس از گذراندن عده، می‌توانند با ازدواج موقت نیازهای جنسی خود را رفع کنند.

بنابراین ازدواج موقت با هدف پیشگیری از آلودگی‌ها، هرج و مرج جنسی، محرومیت جنسی و کاهش فشار ناشی از آن و به ویژه برای کسانی که به ناچار مجبورند مدت‌ها دور از همسر خود باشند مطرح می‌شود. به عبارت دیگر، جلوگیری از گناه و فساد، ارضای نیازهای جنسی، به دست آوردن شناخت برای ازدواج دائم، کسب آرامش روحی و فکری و نبود

امکانات لازم برای ازدواج دائم از عمده‌ترین دلایل مطرح شدن ازدواج موقت است. در نتیجه می‌توان گفت طرح ازدواج موقت از سوی دین مبین اسلام، یک راهکار شایسته و مناسب برای یک سلسله از مشکلات و معضلات اجتماعی است. اما این طرح بایستی در ظرف زمانی و مکانی خود مورد استفاده قرار گیرد و آثار به کارگیری این طرح در تمامی جوامع یکسان نیست و بر حسب فرهنگ‌ها و ملل مختلف و پیش فرض‌های متفاوت به لحاظ تمامی ابعاد حقوقی، اجتماعی، انسانی به عنوان یک راهکار ثانویه از آن استمداد جست. البته در مقابل کسانی که نسبت به ازدواج موقت نظر مثبت دارند، گروهی به دلایلی با موجودیت آن در ساختار قانونی و حقوقی کشور مخالفند و از این رو جایگاهی برای آن در حل بحران جنسی قائل نیستند.

۴- محدود نمودن ازدواج موقت بنابر مصلحت و تبعات آن

جامعیت دین مستلزم انعطاف پذیری در احکام است تا بتواند با شرایط مختلف و تحولات زندگی هماهنگ باشد. در واقع نیاز انسان به انواع ابزار و وسایل زندگی است که به مرور زمان تغییر پیدا می‌کند و مقررات متناسب با خود را می‌طلبد. ذیل این مبحث، ابتدا محدود نمودن ازدواج موقت به حکم مصلحت و سپس ازدواج موقت به عنوان حکم اضطراری و نیز محدود نمودن ازدواج موقت به موجب تبعات اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۴-۱: محدود نمودن ازدواج موقت به حکم مصلحت

در خصوص ازدواج موقت، اسلام به دور از هرگونه تعصبات شخصی و سلیقه‌ای آئین و رسوم جاهلی به قضیه نگاه کرده و این مسئله را برای مردان و زنان با حفظ شرایط آن جایز و پسندیده است. با این وجود؛ فقیه جامع الشرایط که ولی امر مسلمین است، چنانچه ازدواج موقت را به صلاح و مصلحت جامعه اسلامی نداند، می‌تواند آن را محدود نماید و عمل به آن، بر خود و مقلدانش واجب است. از طرفی دیگر؛ با توجه به اینکه احکام اسلامی، کلی و جهان‌شمولی است و از طرفی قانونگذاری در اسلام خاتمه پیدا کرده است، فقهای هر عصر باید طبق شرایط و تحولات جوامع، احکام را از منابع آن استنباط نموده، کلیات احکام را بر جزئیات آن تطبیق داده و احکام حوادث و وقایع را بیان کنند و از جمله مصادیقی که احکام آن

می‌تواند توسط فقیه جامع شرایط بنا بر مصلحت و نیز به مقتضای زمان تغییر کند، ازدواج موقت است.

۴-۲: ازدواج موقت به عنوان حکم اضطراری

کمال دین اسلام از آن جهت است که به همه زوایای زندگی اندیشیده، اما این به معنای تسری حکم مورد اضطرار بر همه موارد نیست که نمود این گونه احکام در ابواب متعدد فقهی وجود دارد و از جمله آنها می‌توان به ازدواج موقت اشاره نمود.

دقت در سیره ائمه معصومین(ع) ما را به این نتیجه رهنمون می‌سازد که ایشان از «متععه» به عنوان یک راه حل عمومی و حکم اولیه استفاده ننموده‌اند. به نحوی که در نقل یک واقعه تاریخی آورده‌اند: «در سال هشتم هجری در ایام توقف سپاه اسلام در مکه دختران و زنان بیوه‌ای که خود را زینت داده، به سربازان نشان می‌دادند و آتش شهوت آنان به واسطه طول توقف و عزوبت مشتعل می‌گشت، از این روی رسول اکرم(ص) به حکم ضرورت و من باب اکل میته اجازه عقد موقت صادر فرمود.» (به نقل از مطهری، ۱۳۹۱ش، ۲۷/۲۲۳)

به عقیده برخی صاحب‌نظران؛ حتی اگر «متععه» را از باب احکام ثانویه و اضطرار هم محسوب نکنیم، نفس توجه به سیره ائمه معصومین(ع) و منع ایشان نسبت به بعض اشخاص و شرایطی که در وقایع تاریخی در ضمن روایات بیان فرموده‌اند، قطعاً ما را از پردازش صرف باز می‌دارد و اگر حتی ما هیچ دلیلی در میان ادله محکم، برای محدودیت حکم «متععه» نداشتیم، آیا ادله ترغیب و تثبیت و تبیین جایگاه نکاح و ازدواج دائم جوان، برای تشریح جایگاه ازدواج موقت و حدود آن کافی نبود. (مطهری، ۱۳۹۱ش، ۲۷/۲۲۴) به تعبیر ایشان؛ «در واقع مسأله ازدواج موقت هم اگر انسان خوب دقت کند، معلوم است که برای یک حالت ضروری است.» (مطهری، ۱۳۹۱ش، ۲۷/۲۲۵)

در مورد روایات متفاوتی که در مورد تشویق و نهی ائمه(ع) از ازدواج موقت صادر شده‌است نیز بیان داشته‌اند: «... آنجا که ائمه اطهار مردان زنده را از این کار منع کرده‌اند به اعتبار حکمت اولی این قانون است، خواسته‌اند بگویند این قانون برای مردانی که احتیاجی ندارند وضع نشده‌است...» همچنان که امام کاظم(ع) فرمود: «این کار برای کسی رواست که

خداوند او را با داشتن همسری از این کار بی‌نیاز نکرده است. و اما کسی که دارای همسر است، فقط هنگامی می‌تواند دست به این کار بزند که دسترسی به همسر خود نداشته باشد.» (کلینی، ۱۳۸۸ش، ۴۵۳/۵)

علاوه بر این؛ آنچه که در آیات و روایات متواتر بر آن تأکید شده و در سیره معصومین بسیار مورد توجه است امر به نکاح دائم جوان می‌باشد. (آیه ۳۲ سوره مبارکه نور) و تأکید بر این که هر کس از مریبان جامعه و خانواده مأمور است که به نکاح افراد عزب و بدون همسر بیندیشد و اگر قید صالحین می‌آورد، کنایه از این است که قبل از آنکه جوان صلاحیت و پاکی را از دست دهد، در صدد ازدواج دائم او برآئید و مشکل اقتصادی را مانع ازدواج دائم قرار ندهید.

حتی اسلام دریچه روزی و گشایش رزق را در گرو ازدواج دائم نهاده و می‌فرماید: «الرِّزْقُ مَعَ الْأَهْلِ وَالْعِيَالِ» و ازدواج دائم را متضمن سکونت و آرامش برای زن و مرد می‌شمارد. و برای ترغیب جوان به ازدواج دائم در کلامی حکیمانه از رسول خدا (ص) آمده است: «زنان و مردان بدون همسر را به ازدواج در آورید که همانا خداوند بواسطه ازدواج اخلاق آنان را نیکو و به روزی آنان وسعت می‌دهد و ایشان را در مروت و جوانمردی کامل می‌سازد.» (مجلسی، ۱۴۴۰ق، ۱۵۵/۱۰۱) با این وصف، تنها پیمان زمینی که در قرآن کریم به عنوان «میثاق غلیظ» معرفی می‌شود و منشا و مسئولیت‌پذیری و عاملی برای رعایت اصول اخلاقی و حقوقی در مرد و زن می‌شمارد ازدواج دائم است و بر همین اساس تمام شرایط و ضوابط حکیمانه ای که در انتخاب همسر بیان می‌نماید، از جهت پایبندی به ازدواج دائم و اثرات دائمی آن در زندگی فردی و خانوادگی و اجتماعی است.

حتی اصولی مانند «اصل صلح»، «اصل عفو و گذشت»، «اصل مودت و رحمت»، «اصل معروف»، «اصل تقدم مصلحت خانواده بر مصلحت فرد» که در آیات صراحتاً اعلام می‌دارد، از جهت تداوم و استحکام و تقدم و اولویت ازدواج دائم نسبت به حالات متفاوت زندگی است. مضاف بر این که در فرهنگ آیات و روایات اصل قرار دادن ازدواج در دوران خاص خود، یعنی در زمان اوج نشاط و قدرتمندی و سرشاری نبوغ و بلوغ استعدادهاى مختلف است، تا

این که ثمره این ازدواج محصول ارزشمند و پویا و تحرک آفرین باشد. و مسلماً ترغیب جوان به «متعه» و به تأخیر انداختن ازدواج دائم در سنین بالا، هم پدر و مادر را از کارایی لازم باز می‌دارد هم فرزندان را از بهره مندی پدر و مادری با نشاط، توانمند و فعال بی نصیب می‌گرداند. و در شیوه معصومین(ع) و بزرگان دین سراغ نداریم که ازدواج موقت را در سیره عملی خویش مقدم بر ازدواج دائم دارند.

۴-۳: محدود نمودن ازدواج موقت به موجب تبعات اجتماعی

از بعد جامعه‌شناسی و روانشناسی و با مطالعه ابعاد دیگر ازدواج موقت می‌توان اینگونه تعبیر نمود که پیامدها و آسیب‌های ازدواج موقت در بسیاری موارد از فواید آن بیشتر است و علاوه بر زن و مرد، جامعه را نیز متضرر می‌کند. از جمله تبعات منفی این نوع ازدواج که می‌توان تحت عنوان تبعات اجتماعی تعبیر نمود؛ برچسب زنی و بدنامی برای زن، اثبات نسب فرزندان ناشی از ازدواج موقت، عدم انطباق ازدواج موقت با عرف جامعه امروزی، سست شدن بنیان خانواده، فقدان طرح عملی و کاربردی برای ازدواج موقت می‌باشد:

۴-۳-۱: برچسب زنی و بدنامی برای زن

از جمله پیامدهای منفی ازدواج موقت برچسب بدنامی، شک‌گرایی نسبت به ازدواج دائم، فروپاشی خانواده‌ها، خشونت علیه زنان و ... می‌باشد. مسأله برچسب زنی که گاهی از آن با عنوان داغ ننگ نام می‌برند، موضوعی بسیار مهم در جامعه است. یک فرد با رفتاری می‌تواند به شخص محبوب در جامعه تبدیل شود و در مقابل با رفتاری برچسب بدنامی بخورد.

بنابراین صیغه محرمیت و کنشگران آن همواره در جامعه مقبولیت چندانی ندارند و بار این مسأله برای زنان بیشتر از مردان است. معمولاً به زنانی که با وجود شرعی بودن به این ازدواج تن می‌دهند برچسب زده می‌شود و این امر نه تنها در بعد روحی و روانی آن بلکه در سایر ابعاد هم تأثیر منفی دارد. علاوه بر این، تبدیل این نوع ازدواج به نوعی از اعتیاد، مخفیانه بودن و پنهانی بودن آن از دیگر پیامدهای این نوع ازدواج است.

۴-۳-۲: دشواری اثبات نسب فرزندان ناشی از ازدواج موقت

از دیگر پیامدهای این نوع ازدواج، مسأله حضانت و مسائل حقوقی این نوع از ازدواج‌هاست. معمولاً از آنجایی که این نوع ازدواج ثبت قانونی و سیستمی نمی‌شود، از این رو اثبات نسب فرزند بسیار دشوار می‌شود.

در ازدواج موقت اغلب یکی از طرفین یا هر دو برای ازدواج دائم و بلند مدت تمایل و آمادگی ندارند. در چنین ازدواجی بارداری ناخواسته و به دنیا آمدن فرزند ناخواسته مشکلات زیادی را با خود به همراه دارد. یکی از این مشکلات اثبات نسب پدری فرزند است که مادر را گرفتار می‌سازد. این بحران‌ها و مشکلات علاوه بر پدر و مادر خود کودک را نیز درگیر می‌کنند. نداشتن مسئولیت‌پذیری کافی والدین در برابر فرزند حاصل از ازدواج موقت، طرد کردن یا تفاوت گذاشتن میان او با فرزندان دیگر که حاصل ازدواج دائمی هستند، مشکلات و آسیب‌های روانی اجتماعی زیادی را برای کودک به دنبال دارد.

۴-۳-۳: عدم انطباق ازدواج موقت با عرف جامعه امروزی

فرهنگ ازدواج موقت به هیچ وجه با عرف جامعه ما قابلیت انطباق ندارد. حتی اگر این مسأله را هم ما نادیده انگاریم و بگوییم رفع مفاسد و مشکلات جامعه جوان ما، ترویج این نوع از ازدواج است؛ چه تعهدی می‌توانیم در پسر و دختر جوان جامعه مبنی بر پایبندی به ازدواج دائم و خانواده ایجاد کنیم. و آیا دختر و پسر که بواسطه «متععه» ارتباطات متعددی داشته‌اند، آیا می‌توانند به راحتی زندگی در کنار یک فرد را برای یک عمر با همه مشکلات و پستی و بلندی‌ها پذیرا باشند؟

مضاف بر اینکه اگر با برداشتی صحیح و معقول و مشروع به لحاظی جایگاه حقیقی، آن را مطرح نکنیم بنیان و ریشه بسیاری از خانواده‌ها را با اجازه بی‌قید و بند به زنان و مردان فرصت طلب و سودجو و مفسده‌انگیز می‌دهیم که به واسطه هوی و هوس تغییر ذائقه دهند و گاه بی‌توجهی آنان خانواده‌هایی را در آتش تمایلات می‌سوزاند و حتی همسران وفادار را نسبت به اصل اسلام و یا ازدواج موقت بد بین می‌سازد.

۴-۳-۴: سست شدن بنیان خانواده

بسیاری از افراد تلاش می‌کنند تا از طریق صیغه، به روابط خارج از ازدواج دائم و خیانت‌های زناشویی مشروعیت ببخشند؛ همین امر منجر به از بین رفتن امنیت روانی افراد و فروپاشیدن نظام خانواده می‌شود. گاه مردان روابط متعدد و بی‌بند و باری خود را با خواندن یک عقدنامه کوتاه توجیه می‌کنند، در حالی که برای مقابله با رفتارهای آسیب‌زای آنان به سختی می‌توان کاری انجام داد.

زیاده روی در این نوع ازدواج باعث می‌شود که تعهد در خانواده‌ها کمرنگ شود و دیگر مرد نسبت به زندگی اش احساس مسئولیت نکند. همین موضوع باعث می‌شود که بین زوجین طلاق عاطفی اتفاق بیفتد.

۴-۳-۵: فقدان طرح عملی و کاربردی برای ازدواج موقت

مقررات مربوط به ازدواج موقت، مانند هر قانون دیگری نیازمند به طرح عملی و کاربردی است که در آن همه شرایط لازم رعایت گردیده و از پیمدهای منفی و سوء استفاده از آن پیش‌گیری شده باشد. در جوامع پیچیده امروزی، اجرای قانونی به نام ازدواج موقت، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مبانی نظری ازدواج موقت و شرایط آن از منابع معتبر مانند کتاب، سنت و سیره عملی، معصومان(ع) استخراج شود.

پس از استخراج و تبیین نظری دیدگاه ازدواج موقت، کار عمده و اساسی آن است که مجموعه‌ای از صاحب‌نظران (فقها، حقوق‌دانان، روان‌شناسان، و جامعه‌شناسان) راه‌های اجرای آن را در جامعه با توجه به شرایط موجود ارزیابی نموده و اصولی را به عنوان بندهای قانون ازدواج موقت، تدوین نمایند که اجرای قانون ازدواج موقت، بتواند مورد تأیید و پذیرش افراد جامعه قرار گیرد.

اما از آن‌جا که دیدگاه ازدواج موقت، مورد کارشناسی واقع نشده و طرحی عملی و کاربردی برای آن وجود ندارد و تنها در حد یک نظریه و حکم شرعی تبلیغ شده است، طبیعی است که هیچ ضمانت اجرایی برای آن وجود ندارد و اگر با این وضع، جوانان را تشویق به ازدواج موقت کنیم، قطعاً مورد سوءاستفاده واقع شده و مشکلات بسیاری به بار خواهد آورد.

۵- ازدواج موقت و پاسخگویی به نیاز جامعه

آنچه ضرورت دارد در خصوص نقش مصلحت در قبض و بسط احکام فقهی ازدواج موقت مورد توجه قرار گیرد، روزآمد نمودن احکام ازدواج موقت در جهت پاسخگویی به نیاز جامعه است که در تبیین این موضوع طی بندهایی مجزا؛ روزآمد نمودن احکام ازدواج موقت به تبع مقتضیات محیط و نیز روزآمد نمودن احکام ازدواج موقت به تبع مصلحت اجتماع و زندگی بشر بیان می‌گردد:

۵-۱: روزآمد نمودن احکام ازدواج موقت به تبع مقتضیات محیط

جای تردید نیست که قوانین اسلام در راستای تأمین نیازهای معنوی و مادی بشر تشریح شده است تا پاسخگوی نیازهای ثابت و متغیر انسان در بستر تاریخ باشد. به تعبیر برخی صاحب‌نظران: «کلیات اسلام، ثابت، غیرمتغیر و محدود ولی حوادث و مسائل، نامحدود و متغیر است و هر برهه‌ای از زمان مقتضیات و مسائل خاص خود را دارد...» (انصاری، ۱۳۷۴ش، ۱/ ۲۶۸) مقصود از زمان و مکان در این رابطه، معنای فلسفی آن نیست؛ بلکه مراد، همان موقعیت تاریخی جامعه و شرایط و تحولات اجتماعی، سیاسی و ... است که در ظرف زمان و مکان به وقوع می‌پیوندد و ازدواج موقت در آن مورد حکم قرار می‌گیرد. مجتهد باید آنها را خوب درک کرده و از آن در استنباط احکام بهره گیرد.

موضوع‌شناسی در تدوین و جعل قوانین جامعه، از اهمیت ویژه برخوردار است، از این روست که تشریح قوانین در چنین جوامع به حسب شرایط و تحولات و مقتضیات زمان در اثر تغییر موضوعات عرفیه غیر ثابت، تغییر می‌کند. همان مطلبی که برخی فقها با این تعبیر مورد اشاره قرار داده‌اند: «زمان و مکان به عنوان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد مطرح شده‌اند. مسأله‌ای که در زمان گذشته دارای حکمی بوده، در روابطی که بر سیاست، اجتماع و اقتصاد یک نظام حاکم است ممکن است حکم جدیدی داشته باشد یعنی با شناخت دقیق ارتباطات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، همان موضوعی که از نظر ظاهر با سابق تفاوتی نداشته، در واقع موضوعی جدید شده که به طور قهری حکم جدیدی می‌طلبد». (موسوی خمینی، ۱۳۷۳ش، ۲۱/ ۱۵۱-۱۵۰)

با این اوصاف نقش و جایگاه زمان و مکان در اجتهاد با هدف تغییر موضوعات احکام اجتماعی است. به عبارت دیگر اگر مقتضیات زمان و مکان و تغییرات جوامع، در موضوعات احکام تحولاتی ایجاد کند و موضوعاتی از جمله متعه به واسطه ویژگی‌های درونی و بیرونی و یا شرایط و قیود عوض شود، احکام آن به طور قهری تغییر می‌کند؛ زیرا ارتباط بین موضوع و حکم، رابطه سبب و مسبب است که به واسطه فقدان یا نابودی سبب، مسبب هم از بین می‌رود. چنانچه در ظرف زمان یا مکان، شرایط جامعه اقتضا نماید که موضوع ازدواج موقت بنا به هر دلیلی مانند ترویج بی بند و باری و هوسبازی، سست شدن بنیان خانواده و ... محدود گردد، حکم جواز ازدواج موقت ممکن است به تشخیص مجتهد تغییر یابد یا محدود شود. در مقابل چنانچه شرایط زمانی و مکانی جامعه اقتضا کند که این نوع ازدواج بنا به دلایلی مانند فراهم نبودن شرایط ازدواج دائم، خطر ترویج روابط نامشروع، ترویج فحشا و ...، توسعه یابد، ممنوعیت و تحریم آن به تبع تشخیص و حکم مجتهد رفع می‌گردد.

۵-۲: روزآمد نمودن احکام ازدواج موقت به تبع مصلحت اجتماع و زندگی بشر

از جمله موضوعاتی که روایات متعددی از پیامبر اکرم (ص) و معصومین (ع) بر جواز و حتی مستحب بودن آن رسیده، (حمیری بغدادی، ۱۴۱۳ق، ۴۴، کلینی، ۱۳۸۸ش، ۴۴۸/۵) متعه است. ولی در عین فراوانی روایاتی که صراحتاً بر جواز متعه دلالت دارند، «در برخی از احادیث تعبیرهایی به کار رفته که با روایات مبنی بر جواز متعه، ناسازگار است؛ به نحوی که ممکن است در ذهن انسان بین آن روایات، نوعی تنافی و تعارض خطور کند. در این احادیث معصومین (ع) به عناوین مختلف، سعی نموده‌اند تا یاران خود را از انجام متعه منع کنند؛ در یکی از این احادیث، امام صادق (ع) با تعبیر «آن را رها کنید» (کلینی، ۱۳۸۸ش، ۵۳) اصحاب خود را از آن باز داشته‌اند. و در سخن دیگری صراحتاً، مکان را در این حکم دخیل دانسته‌اند. (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ۴۵۰/۱۴)

با کمی تأمل در این احادیث که ظاهراً متنافی است و با عنایت به شرایط خاص زمان و مکان صدور هر یک از این اخبار و نیز شرایط خاص مخاطبان آن به راحتی این احساس تنافی و تعارض بین این احادیث را برطرف می‌کند و از مجموع آنها حکم ثابتی حاصل شود. با در

نظر گرفتن واقعیت‌های موجود در ازدواج دائم از جمله مشکلات موجود در الگوهای سنی انتخاب همسر و نیز شرایط اقتصادی و اجتماعی، در نتیجه ایجاد فاصله چشمگیر بین بلوغ جنسی و شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی جوانان و به تبع، آثار مخرب و خطرناک آن در زمینه بهداشت و سلامت جنسی آنها، ازدواج موقت می‌تواند به عنوان راه‌حلی مشروع و صحیح مورد توجه قرار گیرد. توسل به این نوع ازدواج با در نظر گرفتن وضعیت اقتصادی و اجتماعی حال حاضر جامعه ایرانی، می‌تواند از جمله مؤلفه‌های ممانعت از ارتکاب گناه روابط نامشروع، فساد و فحشا باشد و به نوعی مشروع‌گرایی جنسی را ارضا نماید، مقدمه‌ای برای ازدواج دائم باشد و آرامش روحی و فکری را در پی داشته باشد.

اما اگر شرایطی برای جامعه حاصل گردد که بدون سختی و به سهولت بتوان ازدواج دائم انجام داد و دلیل منطقی و موجهی بر ترویج و توسعه ازدواج موقت نبود، ممکن است همین راه‌حل در شرایط متضاد، نتیجه معکوسی را در پی داشته باشد به نحوی که به مصلحت اجتماع و زندگی بشر نباشد. با این اوصاف روزآمد نمودن احکام ازدواج موقت به تبع مصلحت اجتماع و زندگی بشر و تشخیص اینکه ازدواج موقت نیاز یک جامعه می‌باشد یا خیر، نیازمند بررسی و تشخیص دقیق همه جوانب موجود، آثار آن بر آینده و آسیب‌شناسی احتمالی است که این امر، استفاده از تخصص‌های مختلفی از جمله جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، فرهنگ‌شناسی و ... را می‌طلبد.

نتیجه‌گیری

در جوامع امروزی بنا به دلایل متعددی از جمله؛ مخارج سنگین، فقدان شغل مناسب و درآمد کافی، تمایل زوجین به استقلال در تصمیم‌گیری و سکونت مجزا از پدر و مادر که سبب بالا رفتن قیمت مسکن و اجاره بهای آن شده و ... پاسخگویی به نیاز جنسی از طریق ازدواج دائم با مشکلاتی مواجه شده و زمینه آن مهیا نیست. از اینرو ضرورت دارد جهت ممانعت از شیوع روابط جنسی نامشروع و بروز فاجعه طلاق، چاره‌ای اندیشیده شود که ازدواج موقت می‌تواند یکی از این راهکارها باشد. این نوع ازدواج می‌تواند در تأمین بخشی از نیازهای اقتصادی

زنان نقش بسزایی داشته باشد. از طرفی دیگر با توجه به اینکه در این نوع ازدواج، زوجین برای مدتی معین با یکدیگر رابطه زناشویی برقرار می‌کنند، چنانچه به هر دلیلی در این مدت بر آنها مشخص شود که بسیاری از معیارهای زندگی مشترک و ارزش‌ها و نگرش‌هایشان با هم منطبق نیست، به سهولت از یکدیگر جدا می‌شوند. لذا می‌توان گفت طرح ازدواج موقت از سوی دین اسلام، راهکاری شایسته و مناسب برای یک سلسله از مشکلات و معضلات اجتماعی است. اما این طرح بایستی در ظرف زمانی و مکانی خود مورد استفاده قرار گیرد و آثار به کارگیری این طرح در تمامی جوامع یکسان نیست و بر حسب فرهنگ‌ها و ملل مختلف و پیش فرض‌های متفاوت به لحاظ تمامی ابعاد حقوقی، اجتماعی، انسانی به عنوان یک راهکار ثانویه از آن استمداد جست. همانگونه که اسلام به دور از هرگونه تعصبات شخصی و سلیقه‌ای آئین و رسوم جاهلی به قضیه نگاه کرده و این مسئله را برای مردان و زنان با حفظ شرایط آن جایز و پسندیده دانسته و سیره ائمه معصومین (ع) نیز بر آن بوده که متعه به عنوان یک راه حل ثانویه تجویز شده است.

پیامدهای منفی این نوع ازدواج نیز باید مورد توجه قرار گیرد. برچسب بد نامی، شک گرای نسبت به ازدواج دائم، فروپاشی خانواده‌ها، خشونت علیه زنان و ... از جمله پیامدهای منفی این نوع ازدواج می‌باشد، ضمن اینکه فرهنگ ازدواج موقت به هیچ وجه با عرف جامعه ما قابلیت انطباق ندارد، بسیاری از افراد تلاش می‌کنند تا از طریق صیغه، به روابط خارج از ازدواج دائم و خیانت‌های زناشویی مشروعیت ببخشند؛ همین امر منجر به از بین رفتن امنیت روانی افراد و فروپاشیدن نظام خانواده می‌شود. لذا مقررات مربوط به ازدواج موقت، مانند هر قانون دیگری نیازمند به طرح عملی و کاربردی است که در آن همه شرایط لازم رعایت گردیده و از پی‌آمدهای منفی و سوء استفاده از آن پیش‌گیری شده باشد. در جوامع پیچیده امروزی، اجرای قانونی به نام ازدواج موقت، تنها در صورتی امکان‌پذیر است که مبانی نظری ازدواج موقت و شرایط آن از منابع معتبر مانند کتاب، سنت و سیره عملی، معصومان (ع) استخراج شود و ضرورت احکام ازدواج موقت در جهت پاسخگویی به نیاز جامعه روزآمد شود.

هرگاه این سنت که مورد تأیید مذهب نیز می‌باشد، مورد سوء استفاده اشخاص هوسران، شهوت‌پرست و عیاش قرار نگیرد؛ می‌تواند قسمتی از ضرورت‌های اجتماعی جوانانی که توانایی مالی برای ازدواج دائم ندارد را تأمین نماید و همچنین می‌تواند مقدمه‌ای برای ازدواج دائم باشد مشروط به اینکه با فرهنگسازی بین مردم، آثار تخریبی آن بر خانواده و جامعه از بین برود. لذا پیشنهاد می‌شود قانون برای ثبت نکاح موقت اصلاح شود و جرم انگاری علیه استنکاف‌کنندگان از این قانون صورت گیرد.

علاوه بر این؛ اگرچه ازدواج موقت از نیازهای ضروری جامعه اسلامی است؛ ولی اگر این کار، بدون اتخاذ تدابیر و قانونمندی‌های لازم صورت پذیرد، بی شک عوارض نامطلوب بهداشتی و روحی برای جامعه در بر خواهد داشت. تا زمانی که طرح کاربردی و قانونی برای اجرای صحیح ازدواج موقت تدوین و عملی نشده، نمی‌توان جوانان و نوجوانان را تشویق به ازدواج موقت نمود. لذا ضرورت دارد در زمینه نفقه و حق انحلال به نفع زنان در ازدواج موقت و حق طلاق برابر در صیغه، تعیین دقیق سن ازدواج و صیغه محرمیت، قوانین و مقررات اصلاح یا تصویب شود.

کتابنامه

- قرآن کریم

۱. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ج ۳، تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۲. انصاری، علیرضا (۱۳۷۴ش). نقش زمان و مکان در اجتهاد، ج ۱، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳. حر عاملی، حسن بن علی (۱۴۰۳ق). وسائل الشیعه، ج ۱۴، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۸۰ش). تفسیر اثنا عشری، ج ۲، تهران: نشر میقات.
۵. حمیری بغدادی، عبدالله (۱۴۱۳ق). قرب الاسناد، چاپ اول، قم: مؤسسه آل بیت الاحیاء التراث.
۶. رضوانی، علی اصغر (۱۳۸۴ش). شیعه‌شناسی و پاسخ به شبهات، ج ۲، تهران: نشر مشعر.
۷. صفائی، حسین و امامی، اسدالله (۱۳۹۵ش). مختصر حقوق خانواده، تهران: نشر میزان.
۸. صنعانی، عبدالرزاق (۱۴۰۳ق). مصنف عبدالرزاق، ج ۷، بیروت: نشر المکتب الاسلامی.
۹. طبسی، نجم‌الدین (۱۳۸۴ش). ازدواج موقت در رفتار و گفتار صحابه و تابعین، قم: نشر دلیل.
۱۰. عسقلانی، ابن حجر (۱۴۱۵ق). الإصابه، ج ۳، تحقیق عادل احمد، عبد الموجود، علی محمد، معوض، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب، ج ۱۰، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۲. قادری، فاطمه و کیخا، محمدرضا (۱۳۹۷ش). «مزایا و معایب ماده بیست و یک قانون جدید حمایت خانواده»، فصلنامه تحقیقات حقوقی معاهده، شماره ۲، ۲۳۷-۲۵۸.
۱۳. قمی، ابی جعفر محمد بن علی (شیخ صدوق) (۱۴۰۶ق). من لا یحضره الفقیه، ج ۳، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۱۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ش). الکافی، ج ۵، چاپ سوم، تهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی.
۱۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۴۰ق). بحار الانوار، ج ۱۰۱ (کتاب نکاح)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۶. مطهری، مرتضی (۱۳۹۱ش). مجموعه آثار، ج ۱۹، ۲۶ و ۲۷، تهران: نشر صدرا.
۱۷. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۳ش). ولایت فقیه، تهران، مؤسسه نشر آثار امام خمینی.
۱۸. نعمان، ابوحنیفه (۱۴۰۸ق). دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام، قاهره: دارالمعارف.

۱۹. نووی، یحیی بن شرف (۱۴۳۰ق). شرح نووی، ج ۹، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۰. نیشابوری، حجاج بن مسلم (۱۴۰۷ق). صحیح مسلم، باب نکاح المتعه، بیروت: نشر مؤسسه عزالدین.
۲۱. هاشمی، احمد بن عیسی (۱۴۱۰ق). رأب الصدع، بیروت: دارالفنایس.